

Designing a model for implementing military industry policies in the Ministry of Defense and Armed Forces Support

Abstract

One of the most important and powerful industries in Iran is the defense industry. Today, the defense industry of the Islamic Republic of Iran in the field of technological capabilities has grown significantly and has been empowered in the design, construction and production of relatively advanced systems and technological innovations of military weapons, so that now the internal processes of the defense industry are not only external. Military data and thus the strengthening of military funds. In this qualitative study, from the sampling method to the stage of theoretical ghosts, through interviews with 30 senior managers and commanders of the defense industry and affiliated organizations whose activities depend on different operational and executive departments of the defense industry Has been accomplished. The results of the studies have shown that 6 main themes and 26 sub-themes have been identified, which are reflected on the basis of 6 theorems. Prioritization is based on reliance on internal capacity and available human and financial resources, but the role of technological and technological development should not be overlooked.

Keywords: policy implementation, defense policy, military industry, localization of defense industries.

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۳۰۸-۳۳۲۷

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.348265.3613>

طراحی مدل اجرای خط مشی های صنعت نظامی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروی مسلح

زهرة فلاح^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

مجتبی امیری^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

حسین علایی^۳

عباس نرگسیان^۴

چکیده:

یکی از صنایع مهم و توانمند در ایران، صنعت دفاعی است. امروزه صنعت دفاعی جمهوری اسلامی ایران در زمینه قابلیت های فن آورانه، رشد قابل توجهی کرده و در طراحی، ساخت و تولید سامانه های نسبتاً پیشرفته و نوآوری های فن آورانه تسلیحات نظامی توانمند شده است، به صورتی که اکنون فرآیندهای درونی صنعت دفاعی نه تنها برون دادهای نظامی و در نتیجه تقویت وجوه نظامی را در پی داشته است. در این پژوهش که به صورت کیفی انجام شده از روش نمونه گیری تا مرحله اشباح نظری، از طریق مصاحبه با ۳۰ نفر از مدیران و فرماندهان ارشد صنایع دفاعی و سازمان های وابسته که فعالیت های آنها وابسته به بخش های مختلف عملیاتی و اجرایی صنایع دفاعی را داشته است به انجام رسیده است. نتایج بررسی های انجام شده نشان داده است که ۶ مضمون اصلی و ۲۶ شاخه فرعی شناسایی شده که بر اساس ۶ قضیه منعکس شده، بیان داشته است که پیامد اساسی در طراحی مدل اجرای خط مشی در صنعت دفاعی، بومی سازی خط مشی دفاعی بوده و بدین منظور اولویت گذاری بر تکیه بر توان داخلی و منابع انسانی و مالی موجود بوده، اما نقش توسعه تکنولوژیکی و فناوری نباید نادیده گرفته شود.

واژگان کلیدی: اجرای خط مشی، خط مشی دفاعی، صنعت نظامی، بومی سازی صنایع دفاعی

^۱دانشجویی دکتری، مدیریت دولتی، مدیریت خط مشی گذاری و تصمیم گیری، پردیس البرز، دانشگاه تهران، ایران

^۲دانشیار گروه، مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳دانشیار گروه، مدیریت دولتی، دانشگاه امام حسین، تهران، ایران

^۴استادیار گروه، مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مبحث خط‌مشی از جمله مباحث مهم علم مدیریت است که طی سه دهه گذشته به صورت جدی مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. خط‌مشی گذاری عمومی به عنوان یک دانش جوان بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شده است (هایلت و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۳). نقش اصلی دولت در جهان جدید «خط‌مشی گذاری عمومی» است. دولت‌ها که دربرگیرنده قوه مجریه و مقننه هستند به خط‌مشی‌های عمومی شکل می‌دهند، آن‌ها را به «اجرا» درمی‌آورند و آنگاه به «ارزیابی» آنچه اجرا شده است می‌پردازند (بلند، ۲۰۱۰؛ پورتنی، ۲۰۱۶). خط‌مشی‌ها، اندیشه ما را در تصمیم‌گیری راهنمایی می‌کنند (رنگ و اسپلاک^۲، ۲۰۱۸). خط‌مشی مشخص‌کننده محدوده‌ای است که تصمیم‌های آتی باید در داخل آن اتخاذ شود. خط‌مشی‌ها را می‌توان با توجه به موضوع آن‌ها با عنوان خط‌مشی‌های شخصی و غیره نام‌گذاری کرد. خط‌مشی یک برنامه عمومی است که به منزله راهنمای عمل مدنظر مدیران قرار می‌گیرد (آریمای^۳، ۲۰۱۴: ۳۱۲).

شواهد موجود در تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که خط‌مشی عمومی مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً پایدار، ثابت و هدفمند دولت به منظور حل مشکلات یا دغدغه‌های عمومی جامعه است (اندرسون^۴، ۲۰۱۹: ۱۴۵). اگرچه پژوهشگران در سراسر دنیا، مسئله انتخاب ابزار اجرای خط‌مشی را مدتها مورد توجه قرار داده‌اند، در سال‌های اخیر نظریه جدید انتخاب ابزار اجرای خط‌مشی در مبانی نظری مطرح شده و مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و تلاش‌های بسیاری برای درک این نظریه جدید، یعنی آمیخته ابزارها و شناخت عوامل مؤثر بر انتخاب و طراحی آنها انجام شده است. مطالعات اولیه نظریه انتخاب ابزارهای خط‌مشی، بر تک ابزاری تأکید داشتند (هایلت و همکاران^۵، ۲۰۱۵: ۲۳). در اواخر دهه ۱۹۹۰ این نظریه به دلایل مختلفی چون شکست‌های مختلف بازار برای رسیدن به یک هدف خط‌مشی، عدم دستیابی به اهداف متعدد با یک ابزار شکست خط‌مشی، درگیری بخش‌ها و بازیگران مختلف (اسپلاک^۶، ۲۰۱۷: ۱۱).

محدودیت و کمبود اطلاعاتی و عدم قطعیت و همچنین موج خصوصی‌سازی و مقررات زدایی به تغییر الگوی انتخاب منجر شد (هایلت و رمیش^۸، ۱۹۹۸: ۲۵). و جای خود را به نظریه انتخاب ترکیبی از ابزارهای خط‌مشی عمومی داد. پس از آن، پژوهش‌های گسترده‌ای برای تعریف آمیخته ابزارهای خط‌مشی عمومی و شناسایی عوامل، معیارها و ویژگی‌های خاص برای انتخاب و ترکیب بهینه ابزارها صورت گرفت. این پژوهش‌ها نشان دادند که آمیخته ابزارها نسبت به تک ابزاری مزایای بیشتری را نصیب خط‌مشی‌گذاران می‌کند. از جمله این مزایا میتوان به افزایش اثربخشی و احتمال اجرا شدن خط‌مشی‌ها در مقایسه با تک ابزاری (گیونی و همکاران^۹، ۲۰۱۳، ۱۴۷). روش سریع و کارآمد در دستیابی به اهداف خط‌مشی بهبود پیامدهای خط‌مشی ظرفیت بالا برای کاهش یا از بین بردن موانع اجرا و اثرات ناخواسته اشاره کرد. با وجود این مزایا، هر آمیخته ابزارهای خط‌مشی مفید و مؤثر نیست؛ بلکه به رابطه و تعامل مثبت بین ابزارها و طیف گسترده‌ای از شرایط (عناصر طراحی و زمینه)

^۱Howlett et al
^۲Béland
^۳Portney
^۴Ring & Schlaack
^۵Arima
^۶Anderson
^۷Howlett et al
^۸Howlett, & Ramesh
^۹Givoni et al

بستگی دارد (هایلث و همکاران^۱، ۲۰۱۵: ۲۰). از آنجاکه هیچ مدل بهینه جهان شمولی وجود ندارد و انتخاب و طراحی بهینه آمیخته های ابزارهای خط مشی به زمینه و بستر هر کشوری بستگی دارد (رنر^۲، ۲۰۱۳، ۱۴۷). لذا برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت همه جانبه در سطوح دفاعی و پشتیبانی نیروهای مسلح و مجموعه وابسته، ارائه چگونگی اجرای خط مشی های اجرایی جایگاه خاصی پیدا می کند. مدلی که بتواند ضمن علمی بودن، پاسخگو بودن به فرصتها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف، آینده اجرایی دفاعی و پشتیبانی نیروهای مسلح را رصد نماید و برنامه ریزی متناسب با آن داشته باشد و سطح دفاعی و پشتیبانی را به حد متعالی خود نزدیک سازد (سووتن^۳، ۲۰۱۸).

محققان و صاحب نظران متعدد، در تبیین مشکلات خط مشی گذاری بطور کلی و اجرای خط مشی بصورت خاص، عوامل زیادی را برشمرده اند و اکثریت آنان بر این باورند که مشکلات اجرای خط مشی بخصوص در بخش صنعت دفاعی متناسب با شرایط محلی هر جامعه ای متفاوت بوده و راه کارهای متفاوتی نیز می طلبد. مشکلات اجرای خط مشی، زمانی اتفاق می افتد که نتایج مطلوب مربوط به منافع مورد نظر حاصل نشود. بر این اساس سوال اساسی تحقیق حاضر این است که چه مدلی در اجرای خط مشی های صنعت دفاعی در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروی مسلح می توان متصور شد؟

پیشینه نظری

از نظر بسیاری از نظریه پردازان، خط مشی، مشخص کننده محدوده ای است که تصمیم های آتی باید در داخل آن اتخاذ شود. خط مشی ها را می توان با توجه به موضوع آن ها، با عنوان خط مشی های شخصی و غیره نامگذاری کرد. خط مشی یک برنامه عمومی است که به منزله راهنمای عمل در نظر مدیران قرار می گیرد. بدین معنی که مدیران بلند پایه نقش برجسته ای در اجرای خط مشی دارند. نحوه اجرای برنامه برای مسئولان اجرایی سازمان، به وسیله خط مشی تعیین می شود و همین طور وسیله مؤثری برای کنترل عملیات به شمار می آید. اجرای خط مشی در مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که در آن بازیگران، سازمان ها، رویه ها و روش های متفاوت در هم می آمیزد تا با تلاش، اهداف یک برنامه یا خط مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند. (لستر جیمز، پی، و استوارت، ۲۰۱۸: ۱۵۲). در بین نظریه پردازان خط مشی، اصولاً نسبت به موضوع اجرای خط مشی عمومی دیدگاه های مختلف زیادی وجود دارد که هر کدام از زاویه ای خاص به اجرا می نگرند و با پیش فرض های خود ساز و کارهای معینی را توصیه می کنند (پیترز، ۲۰۱۸: ۶۲۳).

اجرای خط مشی

طبق گفته گرتسون^۴ (۲۰۰۴)، اجرای خط مشی، تبدیل آگاهانه برنامه های خط مشی به واقعیت است. اجرا به عمل کردن و یا انجام یک وظیفه مربوط می شود. این تعریف مشابه تعریفی است که توسط پرسمن و ویلداوسکی^۵ (۱۹۷۳)، ارائه شده که اجرای خط مشی با فرآیندها و تعامل بین تنظیم اهداف و اقدامات به سوی دستاوردهایشان مربوط است. عنصر تشکیل دهنده اکثر تعاریف ذکر شده اجرا شکافی است که بین اهداف خط مشی و نتایج وجود دارد. بنابراین، مطالعات اجرا، تاکید بر درک موفقیت یا عدم موفقیت خط مشی های عمومی توسط تشریح عواملی است که بر آن تاثیر می گذارد. این مفهوم اجرا، در چشم انداز وسیع تر، به جلب سیاست گذاران و مجریان مطالعه فرآیند کمک می کند که بر نتیجه خط مشی تاثیر می گذارد. قبل از دهه

^۱Howlett et al
^۲Rayner
^۳Sutton

^۴Pressman, J. L. & Wildavsky

۱۹۶۰، درک رایج اجرا این بود که، حکم سیاسی روشن بود و بوروکرات‌ها خط‌مشی را اجرا می‌کردند. پرسمن و ویلداوسکی اشاره کردند که اجرا مشکل اساسی در دستیابی به مقاصد سیاسی است. در مطالعه مشابه درثیک (۱۹۷۲)، اهمیت اجرا را با آوردن این که چگونه مخالفان در سطح ملی بر موفقیت خط‌مشی تأثیر می‌گذارند، تأکید کرده است (اوسواو بیمپا، ۲۰۱۲، ۲۲). اجرای خط‌مشی در مورد اینکه چگونه و تا چه حد خط‌مشی عمومی وضع خود را تغییر می‌دهد و در نهایت به اهداف اعلام شده خود می‌رسد اشاره دارد. عمل کردن بر اساس یک تصمیم یا دستور، اجرا محسوب می‌شود. اجرا در مدیریت به معنای پیاده‌سازی استراتژی و محور عمل قرار دادن دستورات است، درحالی‌که در علوم سیاسی به بکارگیری خط‌مشی اطلاق می‌شود. کاربردی کردن یک طرح یا برنامه، عملیات پیاده‌سازی مدل و به کارانداختن یک الگو، همه از مفاهیم اجرا می‌باشند. اجرای خط‌مشی نیز به عملیات و اقدامات سازمان‌ها و موسسات مجری و چگونگی انجام دادن آن‌ها گفته می‌شود (نیواینگ و کوونتز، ۲۰۱۴، ۲۵۶).

فرایند اصلی خط‌مشی‌گذاری متشکل از چهار مرحله: شروع، شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی است. این فرآیند با تنظیم یک برنامه و بر اساس یک موضوع یا تصمیمات قبلی شروع می‌شود و به وسیله توزیع خط‌مشی مورد اجرا به یک اجرا به پایان می‌رسد. فرایند شامل شناسایی مشکل، تدوین یک راه حل، شناسایی گزینه‌های مختلف، انتخاب از آن گزینه‌ها بر اساس تأثیر شان و هدف‌گیری شان به سمت قانون است. فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی به عنوان فرایند تدوین خط‌مشی و اجرای خط‌مشی تعریف می‌کنیم (گیورتس، ۲۰۱۴، ۷).

حاصل تعامل تمامی متغیرهای سازمانی و غیرسازمانی در طی مراحل گوناگون، خط‌مشی عمومی را برای تدوین، تأیید و اجرا آماده می‌سازد. به طور کلی فرآیند خط‌مشی‌گذاری شامل مراحل زیر است:

- مرحله شناخت، درک و بیان مسأله یا مشکل؛
- ارجاع و طرح مسأله در سازمان‌های عمومی؛
- شکل‌گیری، تهیه و تدوین خط‌مشی؛
- قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به خط‌مشی؛
- ابلاغ و اجرای خط‌مشی عمومی؛
- ارزیابی خط‌مشی اجراء شده و کسب اطلاعات از بازتاب عملیات اجراء شده (دانایی فرد، ۱۳۹۰، ۸).

خط‌مشی‌گذاری به صورت یک چرخه، فرآیندی را تشکیل می‌دهد که شامل چندین فعالیت و مرحله است. از این رو پیتر بریجمن و گلی دیویس (۲۰۰۰)، فرآیند خط‌مشی را در هشت مرحله تشریح کرده‌اند: شناسایی مسأله؛^۵ تحلیل خط‌مشی؛^۶ ابزار خط‌مشی؛^۷ مشاوره و مشورت؛^۸ هماهنگی؛^۹ تصمیم؛^{۱۰} کاربرد^{۱۱} و ارزشیابی.^{۱۲} خط‌مشی‌گذاری عمومی اغلب به منزله یک تسمه نقاله تلقی می‌شود که در آن مشکلات، ابتدا به عنوان یک مسأله مورد توجه قرار می‌گیرد، دوره‌های مختلف عمل

^۱Owusu Bempah
^۲Newig & Koontz
^۳Geurts
^۴Bridgman & Davis
^۵Identify Issue
^۶Policy Analysis
^۷Policy Instruments
^۸Consulation
^۹Coordination
^{۱۰}Decision
^{۱۱}Implementation
^{۱۲}Evaluation

بررسی می شود و خط مشی ها تعیین می گردد و توسط کارکنان اجرا، ارزیابی می گردد و تغییر می یابد و سرانجام بر اساس موفقیت یا شکست آن ها پایان می یابد. بدیهی است که این امر، یک فرآیند پیچیده را ساده می نماید (دانایی فرد، ۱۳۹۰، ۹).

خط مشی دفاعی

صنعت دفاعی پل ارتباط بخش صنعت نظامی و غیرنظامی است. این بحث، یک موضوع سازمانی است که شامل، هماهنگی، اقدام مشترک و مشوق های اجرایی آن می گردد. این اصطلاح به معنای ایجاد فرصت برای یکپارچه سازی بخش دفاعی و غیردفاعی و یا انتقال دستاورد از بخش دفاعی به غیردفاعی می گردد. پژوهشگران حوزه صنعت دفاعی عوامل بسیاری را که در تعیین نوع جهت گیری به سمت دو منظورگی صنعت دفاعی موثر است، مطرح نموده اند. مدل سازی برای تدوین خط مشی صنایع دفاعی شامل فرآیند مسئله یابی، تنظیم و انتخاب راه حل و تصمیمات خرد و کلان مراکز خط مشی گذار عمومی به منظور حضور فعال صنایع دفاعی در بخش غیردفاعی است. در این پژوهش مدل تدوین خط مشی، نوعی طرح ریزی محسوب می شود که از طریق آن برای کمک و تحقق بخشیدن به این هدف عالی صنعت دفاعی، یک چارچوب معین برای مسیریابی ارائه می شود؛ در ساخت و طراحی این چارچوب از دیدگاه ها و نظریات اندیشمندان بهره برده می شود (ویشنیسکی، ۲۰۱۲). هارتلی (۲۰۱۳)، در مقاله ای با عنوان آینده خط مشی صنعت دفاعی اروپا از چشم انداز اقتصادی نشان می دهد که، چگونه اصول اقتصادی برای بخش دفاعی و به ویژه صنایع دفاعی اروپا می تواند برای فرمول بندی و تدوین خط مشی آن رهنمودهایی را ارائه کند. هارتلی با بیان این که بعد از پایان جنگ، از یک طرف بودجه بخش نظامی کاهش یافته و از طرف دیگر هزینه های ستادی و سربار بخش دفاعی و نظامی افزایش یافته است (برادون، ۲۰۱۷).

ماهیت خط مشی دفاعی

یکی از مهمترین مسائل در سیاست گذاری دولتی، تمیز مابین آنچه که دولتها می خواهند انجام دهند و آنچه که در واقع انجام داده اند می باشد. یعنی آنچه که دولتها انجام نداده اند و در آن بخش ها فعال نبوده اند نیز مهم است. نکته دیگر آن است که در تصمیم گیری دولتی، نقش بازیگران غیر رسمی از جمله افکار عمومی و گروه های فشار نیز باید لحاظ شود. سوم آنکه سیاست گذاری دولتی تنها به مسائل مربوط به قوانین، فرامین دولتی، ضوابط و آئین نامه ها محدود نمی گردد (تئودولو، ۲۰۱۵ : ۲).

یکی از عناصری که جامعه دموکراتیک را تعریف می کند، میزان مشارکت مردم در فرآیند سیاست گذاری است. هر قدر میزان مشارکت مردم بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که نهادهای جامعه در معرض تقاضاهای متعارض مردمی باشد که علایق و منافع مختلف آنها را چند پاره کرده است. فریچلر (۲۰۱۲) تصمیم گیری دولت را فرآیندی دورانی توصیف می کند که مجموعه های متعددی از عملگرها در مراحل گوناگون شوراها به این فرآیند تصمیم گیری دسترسی دارند. در این مدل، سازمان نوعی بازار برای بازیگران همتا می شود. سازمان با حفظ توازن و پاسخ دادن به تقاضاهای بازیگران رقیب، خود را حفظ می کند (نایگرو، ۲۰۱۴ : ۲۱۹). اجرای خط مشی را می توان به مفهوم بروندادها یا قلمروی از اهداف برنامه ریزی شده که مورد حمایت قرار می گیرند تعریف کرد. خط مشی از طریق جهت دادن و ایجاد چارچوب برای عملیات مختلف سازمان عملکرد سازمان را

^۱Wioeniewski

^۲Hartley

^۳Dunne, P & Braddon

^۴Theodoulou

^۵Stakeholders

تحت تأثیر قرار می دهد. (کای، ۲۰۱۵). همچنین از نظر هاوالت (۲۰۰۹) اجرای خط مشی، راه رسیدن خط مشی مصوب به اهداف مطلوب است در این مرحله معمولاً سازمانهای اجراکننده و میزان مسئولیت هرکدام مشخص کننده میزان موفقیت آمیز بودن این مرحله مستلزم ارتباطات و همکاری سازمان ها منابع مالی و انسانی مناسب است (هاوالت، ۲۰۰۹). از نظر اوتایکو (۲۰۱۸) مجموعه سیاست های نظامی یا دفاعی که از طریق فرایندهای نظام سیاسی حاکم برای اتخاذ تصمیمات مهم سازمانی، از جمله شناسایی اولویت ها و گزینه های مختلف مانند پرسنل دفاعی و برنامه های فناوری یا اولویت های بودجه ایجاد می شود و در انتخاب و اولیت بندی تصمیمات دخیل هستند را خط مشی نظامی می گویند (اوتایکو، ۲۰۱۸).

اجرا زمانی آغاز میشود که اهداف و مقاصد در تصمیمات مربوط به خط مشی تثبیت شده، و بودجه لازم برای آن تخصیص داده شده باشد (مککندل و هارت، ۲۰۱۹: ۶۵۹) اجرا هم شامل سیستم ها و فرایندهای سازمانی است و هم شامل اعمال و اقدامات اعضای سازمان. مطالعات اجرایی نقطه تلاقی مطالعات مدیریت دولتی، نظریه سازمانی، پژوهش های مدیریت دولتی و علوم سیاسی و نظامی است (چوفیلد و ساسمن، ۲۰۰۴: ۲۳۹). اتوله (۲۰۰۰) استدلال میکند که نیاز به بهبود نظریه اجرا کاملاً احساس میشود؛ درحالیکه باید توجه ویژه ای به نیازهای تصمیم گیرندگان عملی نیز معطوف شود. ولی او همچنان محتاط عمل میکند: «موفقیت های چشمگیری در یافتن راه های پیوند تلاش های نظری با نصایح عملی به دست نیامده است.» (اتوله، ۲۰۰۰: ۲۷۰). این نکته توجه ما را به سمت روابط ویژه موجود میان دنیای تحلیل و دنیای عمل جلب میکند. گاهی یک رابطه یک به یک در معرض این خطر قرار دارد که تحلیلگر، توصیه مستقیمی را مبنی بر اینکه متخصص چه باید بکند به وی ارائه میدهد و گاه چنین خطری وجود ندارد. توجه عالمانه به رابطه میان دانش و سیاست نشان میدهد که به طور کلی به جای استفاده ابزاری از دانش آکادمیک در عمل سیاست دولتی، شاهد یک «کارکرد روشنگرانه» هستیم (آیودله، ۲۰۱۸: ۴). که اغلب به جای «دانش» تحت تأثیر «سمت» یا «منطق موقعیتی» است.

از دغدغه بسیاری از پژوهشگران شیوه اجرا در بستر حاکمیتی دولتی است که در ساختارهای تجویزی اجرا دیده نشده است (آجیا موسا، ۲۰۱۵: ۲۱۶). برای تلفیق روش های اجرایی که روش صحیح حاکمیتی در این پژوهش استفاده شده است که در حوزه نظریه های اجرا، مبنای کار ماتریس ابهام-تضاد متلند که مدلی اقتضایی را ارائه میدهد. متلند (۱۹۹۵) بیان کرد که همواره میزانی از ابهام و تضاد، فرایند اجرا را تحت تأثیر خود قرار میدهد (بتینا، ۲۰۱۶: ۲۴).

در خصوص عوامل در اجرای خط مشی دفاعی و نظامی می توان بر اساس تحقیقات گذشته به موارد جدول ۱ اشاره نمود.

جدول ۱: عوامل موثر بر اجرای خط مشی (باقرنژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۹)

محققان	نتایج مطالعات در زمینه عوامل تاثیرگذار بر اجرای خط مشی
سایدک (۲۰۱۶)	رهبری، وضوح خط مشی، برنامه ریزی استراتژیک، منابع سازی، ارتباطات و هماهنگی، تعیین نقش و پاسخگویی.
ادنیر (۲۰۱۶)	درک روشن مدیران، رویکردهای جدید سازمان، شیوه های کار یکپارچه، اشتراک گذاری اطلاعات و سیستم های پاسخگویی، تعهد، تعهد و درک رویه ها، روش ها و اصول حرفه ای، اشتراک گذاری اطلاعات، فقدان درک مشترک، تفاوت ادراکات، هنجارهای فرهنگی، روابط قدرت و نظام ارزشی.

چانگ و همکاران (۲۰۱۴)	موانع فردی، موانع تناسب محتوا و موانع موقعیتی و ابعاد عوامل خط مشی.
استندینگ و کریپس (۲۰۱۳)	درگیری ذی نفعان، استفاده کنندگان، چشم انداز و راهبرد و چیدمان استراتژیک، ارتباطات و گزارش دهی، فرآیند اجرا، برنامه زیربنایی فناوری اطلاعات و ارتباطات، عوامل زمینه ای.
وایک و مارومولا (۲۰۱۲)	درک خط مشی، پذیرش نقش ها و مسئولیت ها در تدوین و اجرا خط مشی، ایجاد ارتباطات با ذی نفعان، میزان ایجاد انگیزش و منابع، مهارت تیم های مدیریتی، ظرفیت تیم های مدیریتی آموزش تیم های مدیریتی مشارکت گسترده، احساس مسئولیت پذیری و پاسخگویی، ارتباطات موثر و مشاوره ای مستمر.
چامپوکوت (۲۰۱۱)	ظرفیت مجریان، منابع، شرایط اقتصادی، عامل فرهنگی و اهمیت امنیت.
بلانکو (۲۰۱۱)	مجریان درگیر، عقاید و ایده های آن ها، ساختار ارائه خدمات، اقدامات مدیریتی در محیط، مشارکت شهروندان و پاسخگویی ارائه دهندگان خدمات.
حاجی پور و همکاران (۱۳۹۴)	فقدان انسجام و ناسازگاری درونی خط مشی، ناسازگاری با خط مشی های موجود، مشخص نبودن ابزارهای اجرا و یا ابزارهای نامناسب، ناسازگاری ابزارهای اجرا، تعریف ناکافی اهداف، اهداف مبهم و بلندپروازانه و نبودن مبنای نظری مناسب، ویژگی های مجریان خط مشی، ساختار سازمان مجری، منابع و ظرفیت ها و ارزیابی و نظارت، شرایط سیاسی، شرایط اجتماعی و فرهنگی، شرایط اقتصادی و فناوری و شرایط بین المللی، راهبردهای اجرای ناقص، معطل گذاشتن اجرا، فرسایشی کردن اجرا، بی توجهی به اجرای خط مشی و یا تغییر مستمر خط مشی عمومی.
منوریان (۱۳۹۴)	عوامل یازدارنده شامل: پیچیدگی مسئله، کمبود حمایت و منابع و کمبود اطلاعات و عوامل پیش برنده اجرای موفق شامل: فرآیندها و ساختار مناسب، ظرفیت سازی و احساس نیاز به حمایت.

نوآوری در صنعت دفاعی

یکی از مسایل کلیدی در زمینه نوآوری در دفاع، ایجاد تعادل در مقابل بهینه سازی میان سه مولفه اصلی است: نیاز عملیاتی، فناوری در دسترس و محدودیت های بودجه. این سه مولفه تعیین کننده، متناظر با بازیگران کلیدی نوآوری در فضای کلان هر کشور هستند در شکل ۱ این خط مشی قابل مشاهده می باشد (فین و لاکمی، ۲۰۱۹: ۲۱).

^۱ Chung, H. Lee & G. Hwailiu,

^۲ Standing, C. Cripps

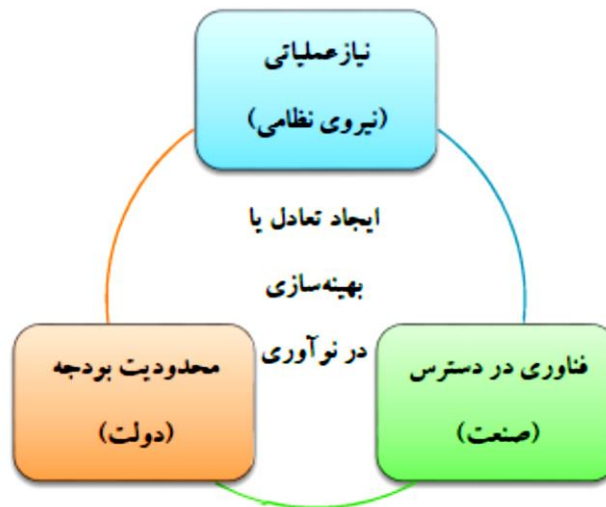
^۳ Wyk, C.V. & Marumoloa

^۴ Chompucot

^۵ Blanco

^۶ Finn & Lakhmi

شکل ۱: ایجاد تعادل در مولفه های کلیدی و بازیگران اصلی (فین و لاکمی، ۲۰۱۹: ۲۱)



سه مسیری که به موجب آن تغییرات نظامی رخ می دهد: نوآوری، تطبیق و الگوگیری.

نوآوری شامل توسعه فناوری ها، راه کنش ها، راهبردها، و سازه های نظامی جدید است. تطبیق، انطباق ابزارها و روش های نظامی موجود را شامل می شود و می تواند منجر به نوآوری در خط مشی گذاری دفاعی شود و اغلب نیز این اتفاق می افتد، یعنی زمانی که تنظیمات متعدد در طول زمان به تدریج به تکامل ابزار و روش های جدید منجر می شود. و در آخر، الگوگیری، واردات ابزارها و روش های جنگی جدید از طریق تقلید و دنباله روی از دیگر سازمان های نظامی است. تنها زمانی که این ابزارها و روش های نظامی جدید به اهداف، راهبردها و ساختارهای جدید سازمانی می انجامد، می توان گفت نوآوری، تطبیق، و الگوگیری منجر به تغییرات عمده نظامی می شوند (تریف و فرل، ۲۰۱۲: ۳). اما تاکیدات نظری به همراه مشاهدات عملی نشان می دهد از دوران انقلاب صنعتی که جنبشی را در قرن نوزدهم ایجاد کرد، نوآوری نظامی به عنوان یک محرک قوی برای ایجاد تغییر در امور نظامی شناخته شده است. بنا بر همین اهمیت ذاتی و نقش فزاینده، مشاهده می شود که نوآوری در صنعت دفاعی به طور روز افزونی مورد توجه و مطالعه محققان قرار می گیرد.

نوآوری از دیدگاه مکاتب و نظریه های سیاسی و امنیتی نوآوری نظامی امری پیچیده و مهم بوده و از ویژگی های خاصی برخوردار است. در این زمینه نظریات شناخته شده علوم سیاسی درباره نوآوری نظامی کمک می کند تا دست کم قضاوت های بهتری درباره برخی از شرایط مورد نیاز برای نوآوری و به خصوص چگونگی رخ دادن آنها داشته باشیم (ساپولسکی و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۲۱). در مجموع، این نظریه ها تا حدودی روشن می سازند که در عرصه نظامی چه کسانی و با چه انگیزه ای ممکن است تمایل به نوآوری داشته و به آن دست بزنند. از نظر مطالعاتی، نوآوری در صنعت دفاعی را باید در قالب نظریه های سیاسی (روابط بین المللی، امنیتی، دفاعی، جنگ و صلح)، ذیل مباحث امنیتی^۳ یا مطالعات راهبردی^۴ نظامی مورد بررسی قرار داد. البته مطالعات راهبردی بیشتر معطوف به مهم ترین پدیده امنیتی یعنی جنگ است، ولی مطالعات امنیتی مباحثی فراتر از جنگ را نیز در بر می گیرد.

^۱Terriff & farrell

^۲Sapolsky et al

^۳ security studies

^۴ strategic studies

مطالعات امنیتی، رویکردهای مختلفی را شامل می‌شود که در قالب آنها نظریه، مکاتب و راه کارهای گوناگونی ارائه شده است. در مجموع در زمینه امنیت، طیفی از نظریات واقع‌گرا تا ایده آل‌گرا یا لیبرالیستی ارائه شده است و برخی متاخرین نیز به رویکردهای فراتر مانند سازه‌نگاری گرایش یافته‌اند. در همین راستا، چنین بحث شده که نظریه‌های اصلی تغییرات نظامی (نوآوری نیز خود نوعی تغییر است) در قالب امروزی در طیف میان نواقح گرای تا نونهادگرایی قابل طرح است. مساله اصلی در هر دو دسته نظریه، رقابت کشورهاست. با این حال، هر یک از دو سر طیف عوامل مختلفی را به عنوان انگیزه‌های رقابت، احتمال رقابت و معیارهای انتخاب مدل مورد تاکید قرار می‌دهند (تریف و فرل، ۲۰۱۲: ۵). برخی دیگر از محققان نوآوری در خط مشی نظامی و کسانی که به تاریخ‌نگاری نوآوری‌ها در بخش دفاع می‌پردازند، سعی کرده‌اند که با تحلیل تاریخی و بررسی روند تکامل نوآوری‌ها، اقدام به توضیح و تفسیر ابعاد نوآوری نظامی نمایند. خلاصه دیدگاه‌های مرتبط نسبت به تغییر در قالب جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: پارادایم‌های اشاعه تغییر در عرصه نظامی (تریف و فرل، ۲۰۱۲: ۴۴)

موضوع محوری	نوگرایی در خط مشی	نو نهادگرایی در خط مشی
پیش‌ران اشاعه تغییر	رقابت	رقابت، جامعه‌پذیری
انگیزه رقابت	ضرورت راهبردی مانند تهدیدات خارجی، جاه‌طلبی، شکست در جنگ	کارایی، مشروعیت و هویت
احتمال رقابت	متنوع و متناظر با ضرورت‌های راهبردی و تهدیدات	متنوع و متناسب با: تمایلات قانونی در نظام اجتماعی مرجع، وسعت تمایلات، دسترسی به منابع
معیارهای انتخاب مدل	کارایی و موفقیت (خریدار عقلایی)	دسترسی‌پذیری، آشنایی و وجهه

این دو طیف نظریه، کمک می‌کند تا در تحلیل یک نظام یا در مقایسه دو یا چند کشور با هم، بتوانیم مشخص‌سازیم که آیا انگیزه‌های رقابت، احتمال رقابت و معیارهای انتخاب مدل وجود دارد و در صورت وجود در چه سطحی است. چنین تحلیلی می‌تواند گرایش کلی یک کشور با نظام سیاسی را به سمت نوآوری روشن سازد. البته لازم به ذکر است با این که در بعد نظری دو دیدگاه تو واقع‌گرایی و نونهادگرایی از هم متمایز شده‌اند، ولی در عمل ممکن است در یک کشور ترکیبی از عوامل که ذیل هر یک از آنها مطرح شده، موضوعیت داشته باشد. به طور کلی می‌توان گفت مطالعات نوآوری دفاعی یا نظامی، اساساً به دنبال شناخت و توصیف بهبودها یا تحولات کیفی در اثربخشی نظامی هستند، به طوری که این بهبودها یا تحولات بتوانند منجر به ایجاد مزیت‌های نسبی یک کشور بر نیروهای نظامی دیگر کشورها شوند و فرصت‌هایی را برای اثربخشی راهبردی (استراتژیک) یک کشور در مقایسه با دیگران خلق نمایند (میلر، ۲۰۱۸: ۲۳۹).

مدل‌های اجرای خط مشی

ساباتیر و مازمانین (۲۰۱۵) در مطالعات خود طیفی از متغیرهای قانونی، سیاسی و مانند آن‌ها اثرگذار بر مراحل مختلف فرآیند اجرا را شناسایی نموده و سپس این متغیرها را در قالب شش شرایط کلی برای دستیابی موفقیت‌آمیز به اهداف قانونی اجرا دسته‌بندی کرده‌اند:

- اهداف مشخص و شفاف.
 - تئوری علت و معلولی مناسب: خط مشی‌های تدوین شده مبتنی بر تئوری ضمنی علت و معلولی در خصوص چگونگی اثرگذاری بر تغییرات اجتماعی هستند و این تئوری باید با واقعیت منطبق باشد.
 - فرآیند اجرا باید به صورت ساختاریافته باشد تا میزان تبعیت مسئولیت اجرایی و گروه‌های هدف از آن افزایش یابد، در این زمینه می‌تواند از طیفی از مکانیسم‌های اجرایی شامل، مشوق‌ها و محرومیت‌ها برای غلبه بر مقاومت‌ها استفاده نمود.
 - مسئولین اجرایی دارای مهارت و تعهد کافی: تعهد در دستیابی به اهداف خط مشی و مهارت در استفاده از منابع جهت دستیابی به اهداف.
 - پشتیبانی و حمایت گروه‌های ذی‌نفوذ و حاکمان در طول فرآیند اجرا.
 - تغییرات در وضعیت سیاسی اجتماعی: تغییرات در وضعیت سیاسی - اجتماعی می‌تواند موجب تغییرات شدید در حمایت سیاسی از خط مشی یا تئوری علت و معلولی پشتیبان برنامه شود.
- در این میان، سه شرط اول باید در زمان تدوین اولیه خط مشی مورد توجه قرار گیرد، در حالی که سه شرط بعدی شدیداً محصول فشارهای سیاسی و اقتصادی به فرآیند اجرای خط مشی در طول دوره اجرا می‌باشد (هیل و هوپ، ۲۰۱۴، ۵۱).
- عدم وجود محدودیت‌های خارجی: خط مشی‌ها نباید خود را در معرض فشارهای خارجی برطرف نشدنی قرار دهند، به این معنی که خط مشی‌ها باید در درون مرزهای اساسی، خطوط قرمز و صلاحیت‌های قانونی زمان خود به کار گرفته شوند و از آن‌ها فراتر نروند. بعضی از خط مشی‌ها صلاحیت به چالش کشیدن مرزهای اساسی قانونی را ندارند و در نتیجه در صورت مغایرت یا متناقض بودن با ابر خط مشی‌ها، حذف خواهند شد و هزینه‌های صورت گرفته و زمان مصروفه به هدر خواهد رفت (واعظی و محمدی، ۱۳۹۶، ۵۰).
- زمان و منابع کافی: موسسات اجرایی باید منابع مالی و انسانی برای اجرای خط مشی داشته باشند. اگر موسسات از اعتبار کافی برخوردار نبوده و نیروی انسانی توانمند، آموزش دیده و مجرب نداشته باشند نمی‌توانند خط مشی‌ها را به اجرا در آورند و یا حداقل از اجرای آن‌ها و رعایت استانداردها مطمئن باشند (میلز و همکاران، ۲۰۱۶، ۶۵).
- رابطه وابستگی سازمان‌های مجری حداقل است: اگر سازمان مجری در هنگام اجرا و دریافت پشتیبانی مجبور باشد به دیگر سازمان‌ها وابسته باشد اطمینان از موفقیت اجرای خط مشی کاهش می‌یابد. زیرا بعضی از سازمانها خود مختار شده و با استفاده از اقتدار خود، روند اجرای خط مشی را کند نموده و حداقل با تاخیر مواجه می‌سازد. این وضعیت زمانی تشدید می‌شود که سازمان مجری به موسساتی وابسته گردد که لزوماً علائق، مصالح و منافع یکسانی نداشته باشند مازمانیان و ساباتیر (۲۰۱۵: ۱۴۸).

تلاش‌های زیادی برای ترسیم جریان مطالعات ارزیابی ضمن تبیین وجوه اشتراک و افتراق الگوها انجام شده است. از جمله، روسی و همکاران (۲۰۰۴)، استافل بیم و کورین (۲۰۱۴)، اون (۲۰۱۲)، و هانسن (۲۰۰۵)، البته به نظر می‌رسد، گونه‌شناسی

^۱ Mazmanian, D. A., & Sabatier

^۲ Miles et al

^۳ Rossi

^۴ Owen

^۵ Hansen

آلکین و کریستی (۲۰۱۱)، از الگوهای ارزیابی جامع تر و معتبرتر از مابقی باشد. چراکه، خود نظریه پردازان نیز با ارائه بازخورد به ایشان سهمی در تکمیل و بهبود طبقه بندی یاد شده داشتند (آلکین و کریستی، ۲۰۱۲، ۴). از نقطه نظر آلکین و کریستی (۲۰۱۲)، به طور کلی الگوهای ارزیابی خط مشی را با توجه به تمرکز خاص و زاویه دید نظریه پرداز به موضوع ارزیابی خط مشی می توان به سه دسته، روش محور، که به دنبال ارزیابی با تکنیک های علمی اثبات گرایانه برای سنجش است. ارزش محور، که به دنبال استفاده از روش های تعاملی و گفتمانی برای ایجاد ادراک مشترک جمعی هستند و کاربردی، که به دنبال ترکیب اقتضایی رویکردهای روش محور و ارزش محور به فراخور مسئله هستند، تقسیم نمود.

پیشینه تجربی پژوهش

عزیز عبدالله^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با هدف عوامل موثر بر نقش شوراها در اجرای خط مشی گذاری های نظامی که به صورت توصیفی و از طریق تشکیل گروه خبرگان و پرسشنامه به انجام رسید دریافتند که، متغیرهای فرآیند خط مشی گذاری محلی، عوامل سیاسی، الگوهای تعامل در نقش شوراها محلی تاثیرگذار هستند. همچنین، در اجرای خط مشی گذاری، افکار عمومی، بودجه بندی، جامعه مدنی، سازمان های اجرایی، اعضای اداری و سازمان های غیردولتی تاثیر مثبتی دارند.

ایوانس و کوتونیک^۲ (۲۰۱۸) در تحقیق که با هدف بررسی تاثیر اجرای خط مشی بر پژوهشگران حرفه ای در ابعاد صنایع نظامی از طریق توصیفی پیمایشی به کمک خبرگان مطلع پرداختند نتایج پژوهش نشان می دهد که، تجربیات شخصی به منظور برجسته کردن برخی از ویژگی های کلیدی فردی و ارزش هایی که برای کار موثرند در سیاست گذاری ضروری هستند. همچنین، اطلاعات به تقویت خط مشی گذاری کمک می کند.

قلی پور و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی در مورد طراحی الگوی خط مشی گذاری در ایران با رویکرد قابلیت انجام دادند و روش پژوهش، کیفی و با استفاده از استراتژی داده بنیاد (رویکرد گلگیری) است. یافته ها نشان می دهد که خط مشی گذاری با رویکرد قابلیت، مستلزم به کارگیری الگوی خط مشی گذاری با عناصر رویکرد قابلیت به عنوان محتوی خط مشی ها است. در این الگو، تجلی نظام خط مشی گذاری شورای عالی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است که با نهادهای فراقوه ای و قوای سه گانه، خانواده ها، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تعامل دارد و با توجه به آزادی های مورد نیاز، برای تحقق بخشیدن به توسعه قابلیت ها و تبدیل آن ها به کارکرد ها در چارچوب فرهنگ و نظام ارزشی فعالیت می کند.

روش شناسی پژوهش

مبنای پژوهش حاضر از نوع اکتشافی کیفی و برای استخراج ایجاد مدل گونه شناسی است. در مرحله نخست به تعریف و تفهیم مفاهیم کاربردی پرداخته و سپس به بیان ادبیات کیفی پژوهش و نظریه های داده بنیاد بوده تا طبق نمونه گیری های باز پژوهش، ارتباط و نمونه گیری ممیز شده ای از طرف گروه خبرگان پژوهش که در حدود ۳۰ نفر بوده اند تا مرحله اشباع نظری پژوهش ادامه و انجام گردد. در جدول ۳ فهرست مصاحبه شوندگان قابل بررسی است.

جدول ۳: وضعیت گروه مصاحبه شوندگان

^۱Alkin, M. C., Christie
^۲Aziz_Abdullah
^۳Evans & Cvitanovic

تعداد	سمت مصاحبه شوندگان
۶	مدیران ارشدوزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
۸	معاونت های وزارت دفاع در سازمان های تابعه
۷	اعضای هیئت علمی و صاحب نظران مرتبط با تحقیق
۵	کارشناسان ارشدوزارتخانه با سابقه مدیریتی
۴	فرماندهان نظامی شاغل در صنعت دفاعی
۳۰	جمع کل

برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه های انجام گرفته چند مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری گردید. سپس کدهای مشخص شده، در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه ها با هم مقایسه گردید. همچنین روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به کار رفته تا نتایج حاصله از آزمون مجدد بتواند تحت تأثیر تمرین و حافظه کدگذار قرار گیرد تا بتواند در قابلیت اعتماد کدگذاری مورد استفاده قرار گیرد.

یافته های پژوهش

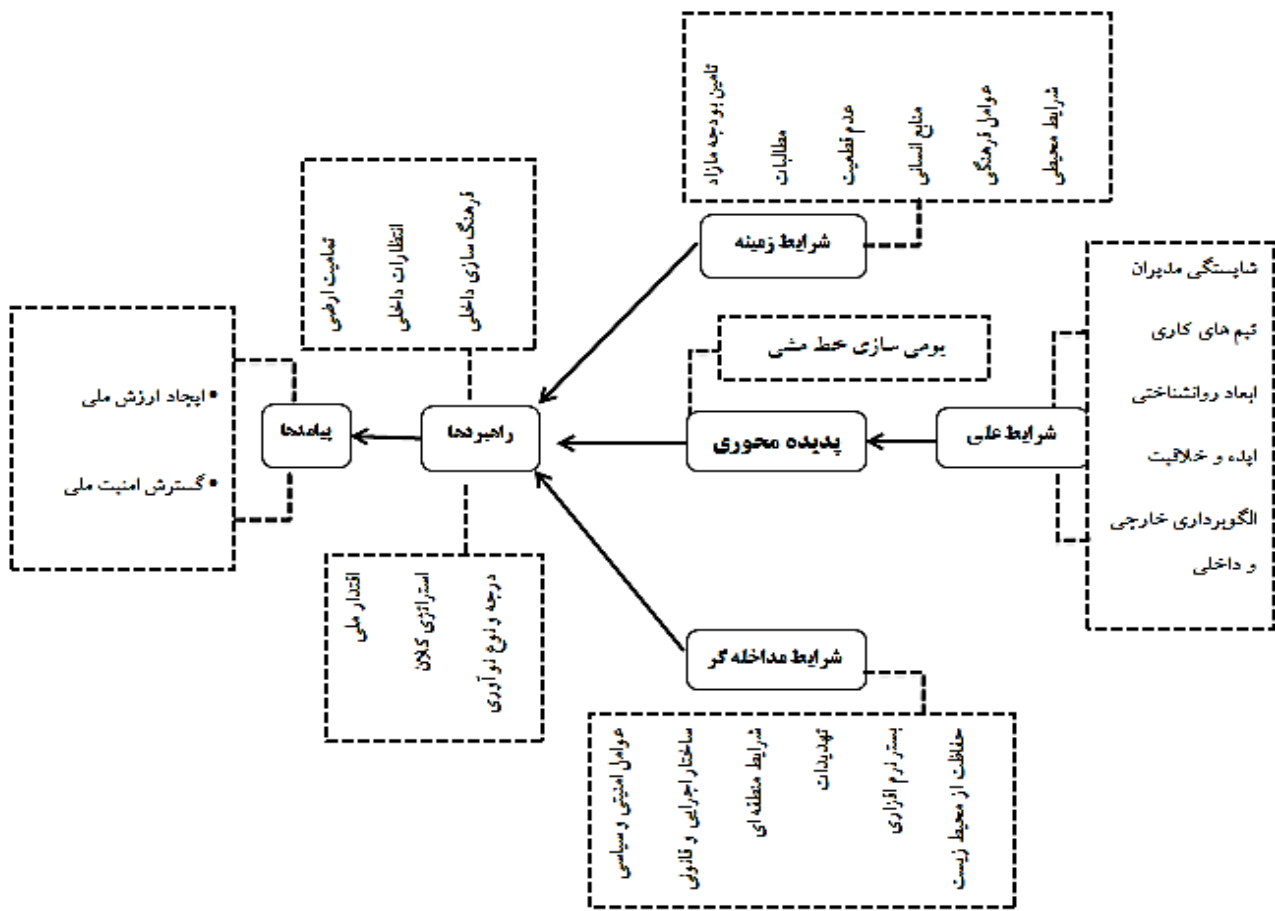
روش تحلیل اطلاعات در این پژوهش براساس رویکرد نظام مند نظریه ای استراوس و کوربین در سه گام اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شده است که مبتنی بر مقایسه مداوم است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین مفاهیم تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. اساس فرایند ارتباط دهی در کدگذاری محوری، در تمرکز و تعیین یک مقوله به عنوان مقوله محوری و سپس قرار دادن سایر مقولات هم جنس فرعی ذیل مقوله اصلی می باشد. در همین راستا مقولات استخراجی به صورت جدول ۴ دسته بندی شده اند.

جدول ۴: دسته بندی مقوله های استخراجی تحقیق

شرایط علی	شرایط زمینه ای	شرایط مداخله گر	راهبردها	پدیده محوری	پیامدها
شایستگی مدیران تیم های کاری ابعاد روانشناسی ایده و خلاقیت الگوبرداری داخلی و خارجی	تامین بودجه مازاد مطالبات عدم قطعیت منابع انسانی عوامل فرهنگی شرایط محیطی	عوامل امنیتی و سیاسی ساختار اجرایی و قانونی شرایط منطقه ای تهدیدات بستر نرم افزاری حفاظت از محیط زیست	تمامیت ارضی انتظارات داخلی فرهنگ سازی داخلی اقتدار ملی استراتژی کلان درجه و نوع نوآوری	بومی سازی خط مشی	ایجاد ارزش ملی گسترش امنیت ملی

در ادامه، مقوله‌های عمده در قالب یک مدل پارادیمی (مدل زمینه‌ای) حول مقوله هسته به یکدیگر ارتباط داده می‌شوند. در واقع، مدل ترسیم شده به توصیف صوری مقوله‌ی و تحلیل و تبیین آن می‌پردازد. این فرآیند را ترکیب مقوله هسته و پالایش و آراستن سازه‌های منتج شده از آن اطلاق می‌شود. مدل مذکور را می‌توان به صورت یک مدل یا نمودار صوری، اما معنایی و مفهومی ترسیم کرد. در این تحقیق فرآیند مدل پارادایم‌های پژوهش بر اساس نظرات متخصصان پیرامون طراحی مدل اجرای خط مشی‌های دفاعی در صنعت دفاعی ایران در شکل ۲ قابل مشاهده می‌باشد.

شکل ۲: مدل پارادایم‌های پژوهش بر اساس نظرات متخصصان



ی مسلح

سرا	سرخ سرا
قضیه ۱	با توجه به تحقیقات انجام شده و نتایج حاصله از پژوهش، حوزه‌های شایستگی مدیران، تیم‌های کاری، ابعاد روانشناسی، ایده و خلاقیت و در نهایت الگوبرداری داخلی و خارجی از شرایط علی حاکم بر صنایع نظامی در اجرای خط مشی دفاعی محسوب می‌شود.
قضیه ۲	بومی سازی خط مشی دفاعی به عنوان پدیده محوری و اساسی در اجرای خط مشی دفاعی در تحقیق پیش روی در نظر گرفته شده است.

شرایط زمینه ای از قبیل تامین منابع مالی مازاد، مطالبات و عدم قطعیت، منابع انسانی و عوامل فرهنگی و همچنین توجه به شرایط خاص محیطی، نقش قابل توجهی در اجرای خط مشی در صنایع دفاعی ایفا نموده اند.	قضیه ۳
شرایط مداخله گر در اجرای خط مشی دفاعی شامل عوامل امنیتی و سیاسی، ساختار اجرایی و قانونی، شرایط منطقه ای، بسترهای نرم افزاری و حفاظت از محیط زیست بستری مناسب را برای تحقق مدل بومی اجرای خط مشی دفاعی فراهم می کند.	قضیه ۴
راهبردهای اجرای خط مشی دفاعی متأثر از تمامیت ارضی، انتظارات داخلی، فرهنگ سازی داخلی، اقتدار ملی، استراتژی کلان و درجه و نوع نوآوری است.	قضیه ۵
شرایط زمینه ای (تامین منابع مالی مازاد، مطالبات و عدم قطعیت، منابع انسانی و عوامل فرهنگی و شرایط محیطی) و شرایط مداخله گر (عوامل امنیتی و سیاسی، ساختار اجرایی و قانونی، شرایط منطقه ای، بسترهای نرم افزاری و حفاظت از محیط زیست) بر تاثیر راهبردها در ایجاد پیامدهای ایجاد ارزش ملی و گسترش امنیت ملی تاثیر گذار می باشد.	قضیه ۶

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به یافته های پژوهش، اجرای خط مشی در صنایع دفاعی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح سه دیدگاه کلی می توان متصور شده است.

اول: در اجرای خط مشی های دفاعی، سیاست های کلان کشور در نظر گرفته می شود.

بطور قطعی کسی از آینده جهان و میزان امنیت در آنسوی مرزها، و در کشورهای همسایه مطلع نیست. هرچند که باز هم این وضعیت در مورد امنیت داخلی و فعالیت گروهک های معاند و مخالف نظام جمهوری اسلام ایران محتمل است. در تعاریف بین المللی و با توجه به شرایط بحرانی منطقه و نا امنی در کشورهای همسایه، وجود درگیری و فعالیت سازمان های خود تعریف برای ایجاد بی نظمی و بحران در منطقه وجود دارد.

اوتایکو (۲۰۱۸) بیان داشته است که نسل بعدی جنگ ها، جنگ های نسل چهارم^۱ و به تعریفی دیگر، شورشیان جهانی، تعریف شده که توسط تعداد بیشتری از بازیگران غیر دولتی / گروه های تروریستی که دولت های ملی را در جهان به طور فزاینده ای به چالش می کشند.

نادیده گرفتن این نوع از درگیری ها بسیار غیر منطقی و آینده امنیتی کشور و یا حتی منطقه را به خطر می اندازد. در حالی که هیچ تردیدی وجود ندارد که شورش های سازمان های غیر دولتی و خود خوانده، کم و بیش در منطقه و حتی در داخل کشور به وجود خواهد آمد. اما در آینده روند نظامی دیگری مکن است که امنیت دفاعی کشور و منطقه را به خطر بیندازد که می تواند

^۱ fourth-generation (4G)

روند درگیری ها را به سطح ملی تغییر دهد. جنگ های نسل پنجم سطح مبارزه را در فضای مجازی تغییر وضعیت داده است؛ اگرچه هر یک از این موارد به صورت جداگانه بررسی شده است، اما پیامدهای تأثیر یکپارچه آنها فقط به طرز خطرناکی قابل درک است. چالش اصلی برای نیروهای دفاعی، تعادل در خط مشی گذاری و اجرای خط مشی های مصوب از فضای جنگ های نسل چهارم به نسل پنجم است. مقاومت در برابر شورش های G4 در توانایی آنها برای هماهنگ سازی با ساختارهای رهبری از پایین به بالا و به طور فزاینده فن آوری می تواند مخرب باشد. بی شک نمی توانیم خسارت هایی که گروه های تروریستی داعش در عراق و سوریه زده اند را منکر شویم اما بیشتر روندهای جنگ G4 در حال خاتمه یافتن بوده و این روند مبارزات به سبک های جنگ طلبانه در سطح G5 تغییر وضعیت می دهند. بنابراین به احتمال زیاد اکثر جوامع در سال های آینده درگیری های متعددی با جنگ های سطح 5 خواهند داشت. بر همین اساس باید روند تقویت اطلاعاتی خود را برای آمادگی برای این مبارزات تقویت گردد.

گسترش و توسعه فناوری موشکی و سلاح های دور برد می تواند بر میزان گردن کشی و جسارت های نظامی دول غربی کاسته و بخش امنیت برون مرزی را افزایش دهد. به هر میزانی که شلیک های دقیق تری داشته باشیم به همان میزان هم به دستیابی به دیدگاه های امنیتی و دفاعی نزدیک تر می گردیم.

آمادگی برای عملیات های شهری و دفاعی در بخش های مسکونی برای مقابله با فعالیت های خرابکارانه و اجرای دقیق خط مشی های دفاعی در بخش های مردم نهاد.

باید قبول کرد که، قدرتمندترین دولت ها، همواره تهدیدی علیه یکدیگر خوانده می شوند، به ویژه هنگامی که برای کنترل مرزهای جغرافیایی خود، به ادوات نظامی متکی می شوند. در نتیجه هر چه ما بر توان دفاعی خود بکوشیم، این تلاش از طرف برخی از دولت های همسایه به تهدید علیه خود خوانده می شود. لذا باید از طریق دیپلماتیک تلاش نمود تا کشورهای همسایه همواره اطمینان داشته باشند که فعالیت های دفاعی انجام شده، هیچ تهدیدی برای آنها نخواهد بود.

دوم: بر اساس ادعای مدیران کلان صنایع دفاعی، فناوری و توسعه علمی و به روز صنایع دفاعی نقش اساسی ایفا می کند.

به نظر می رسد سیاست های تهاجمی کنونی در کشورهای غربی و ایالات متحده در پرتوی حملات سایبری و نفوذ به سیستم های فناوری در سامانه های دفاعی کشور طراحی شده است. از طرفی با توجه به امکانات دفاعی در سامانه های الکترونیک و تجهیزات دفاعی، و بر اساس سیاست گذاری کلان مدیران نظامی، بیشترین سیاست ها و رویه های موجود دولت در جهت دفاع از سیستم های نظامی و دولتی و زیرساخت های حیاتی است و مسئولیت دفاع از اهداف اقتصادی و اجتماعی مهم را به عهده بازیگران آن واگذار شده است. هرچند که ممکن است منابع بالقوه ای برای دفاع متمرکز، نداشته باشند. با توجه به تحقیقات انجام شده، فعالیت های علمی و فناوری ایران، سرعت زیادی گرفته که این موضوع توسط سایر کشورها، درحال رصد شدن و بررسی دائمی است. از نظر فناوری های دفاعی، ایران را در رده کشورهای روسیه و چین قرار داده اند. به نظر می رسد

پرداختن به چالش‌های دفاعی مطرح شده توسط توسعه فناوری به منابع سایبری نظامی با قدرت گسترده برای تعیین استانداردها و تنظیم محصولات مرتبط با اینترنت و رویکرد اجرای خط مشی‌های دفاعی ارتباط تنگاتنگی داشته باشد. علاوه بر این دولت‌ها سیاست‌های دفاعی را برای تعیین اولویت‌های ملی دفاعی، تعیین مسئولیت‌ها، تخصیص منابع و تعیین اهداف دفاعی ملی که باید محقق شوند. مقایسه و مورد ارزیابی قرار می‌دهند. بخش فناوری در توسعه صنعت دفاعی، با برنامه‌های سایبری، فعال بوده و برای تشریح بیشتر به سه بخش اساسی تقسیم می‌گردد.

ردیابی: در اجرای برنامه ریزی خط مشی دفاعی، باید با استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های نوین از حملات سایبری واقعی یا قریب الوقوع آگاه شده تا این اقدامات در حال انجام به عنوان مرحله "شناسایی" عملیات سایبری مشخص گردد. مأموریت "کشف" به این معنا است که مقامات مربوطه نظامی، انتظامی و سایر مقامات ملی از ماهیت، دامنه، اهداف و اثرات احتمالی حملات قابل توجه (در سطح ملی) علیه اهداف دشمنان آگاه شوند.

بلوک: به محض شناسایی حمله، روش‌های فنی برای پایان دادن به اثرات حمله به شبکه نیروهای خودی اعمال می‌شود. این روش‌ها و سیاست‌های مرتبط با آن به عنوان مرحله "بلوک" عملیات سایبری مشخص می‌شوند. خط مشی اصلی در اجرای مأموریت در طی عملیات "بلوک" این است که سیستم دوستانه را به حالت قبل از حمله خود با استفاده از اقدامات متقابل در شبکه دوستانه بازگرداند تا اثرات حمله را خنثی کند.

پاسخ‌دهی: سیاست‌های دفاع ملی با اقدام علیه مهاجم، رهنمودها و روش‌های مدیریتی را برای پاسخگویی به حملات الکترونیک به بخش‌های مرتبط به فناوری اقدام می‌گردد. مأموریت در مرحله "پاسخ" انجام اقداماتی است که هزینه‌ها را تحمیل می‌کند و یا دارایی‌های موجود در شبکه انباشت را کاهش می‌دهد. اقدامات "پاسخ" ممکن است در فضای مجازی یا در حوزه‌های دیگر رخ دهد. نمونه‌هایی از اقدامات "پاسخ دادن" شامل ضد حمله علیه یک شبکه خصمانه، تحریم‌های اقتصادی، واکنش‌های سیاسی یا عملیات نظامی متعارف است. "پاسخ" زمانی آغاز می‌شود که مقامات اختصاصی از یک عملیات سایبری در حال اجرا علیه دارایی‌های ملی مطلع شوند و پس از تأیید و انجام اقدامات پاسخ، پایان می‌یابد.

سوم: همواره بر ارزش و امنیت ملی تأکید فراوان شده است.

بر اساس تحقیقات انجام شده، تمام اسناد استراتژیک جدید بر اهمیت نقش نیروی نظامی در روابط بین‌الملل تأکید می‌کنند و حاکی از آن است که نیروهای دفاعی حق قانونی برای توسعه قدرت نظامی کافی برای پاسخگویی به این روندهای در حال انجام در عرصه بین‌المللی را دارد (که البته بیشتر به غرب نسبت داده می‌شود). در سال‌های اخیر، و با توجه به وضعیت منطقه، دوباره به ابزاری برای ادعای عوامل بیگانه در منطقه در صحنه جهانی تبدیل شده است. در اقدامی که بسیاری به عنوان نقطه عطفی در استراتژی بین‌المللی قدرت نظامی ایران قلمداد می‌کنند. همانطور که دیده می‌شود، شرایط پیچیده و بین‌المللی که کشورهای منطقه با آن روبرو هستند تلاش می‌کنند که با توجه به توان مالی گسترده، اقدام به مدرن‌سازی ارتش

خود اقدام نموده و این فعالیت خود را توجیه نمایند. این مسئله همچنین دارای موضع گسترده در عرصه بین المللی است که می توان به موارد زیر اشاره نمود.

- کشورهای منطقه می خواهند چهره خود را نسبت به غرب و ایالات متحده برای گسترش همکاری های بین المللی باز نمایند و به نوعی امنیت خود را بالا ببرند. تا بتوانند به عنوان یک اهرم در افزایش قدرت منطقه، همسایگان خود را مورد رعب و وحشت قرار دهند.
- بسیاری از کشورهای منطقه تصور می کنند که داشتن یک نیروی نظامی معتبر یکی از شرایط اصلی منافع دیپلماتیک و امنیتی این کشورها است که توسط دیگران در نظر گرفته می شود. اصلاحات نظامی با پشتوانه اراده سیاسی قوی از سوی رهبری سیاسی جمهوری اسلامی ایران، در برنامه ریزی های کلان استراتژیک بیان شده باعث تنوع پذیری و افزایش امنیت ملی و ایجاد ارزش از طرف تمامی مسئولان مملکتی در دولت های مختلف شده است. ارائه بودجه های نظامی که به طور مداوم در دولت های مختلف در حال افزایش است، بر اساس پایگاه های اطلاعاتی و پیمان های نظامی در سالهای اخیر، سهم مهمی در عزم دولت برای ادامه تلاش برای ارتقای سطح امنیت ملی است.
- مدرنیزاسیون نیروهای مسلح، به ویژه تجهیزات آنها در ارتقای سطح امنیت ملی نتیجه داده، همانطور که می توان از مانورهای نظامی داخلی و مشترک بین المللی نتیجه گرفت، فعالیت های نظامی و دفاعی ایران با رعب و وحشت فراوانی از طرف ایادی غربی در منطقه مورد رصد قرار گرفته و هزینه های کلانی را برای تجهیز ماشین جنگی خود متقبل می شوند که قطعاً کمترین کارایی را برای آنها خواهد داشت.

با توجه به دیدگاه های ارائه شده متوجه می شویم که علاوه بر اینکه نگاه بومی سازی در اجرای خط مشی داشته، به دنبال گسترش یک فرهنگ مستقل در روش اجرای خط مشی های دفاعی مبتنی بر اعتقادات ملی و مذهبی و توجه بیش از پیش بر توسعه فناوری شده است. هر چند که در روش اجرای خط مشی ها ممکن است از نمونه ها و سبک های موفق بیگانه الگوبرداری شود، اما ایرانیزه شدن این روش ها باعث افزایش کارایی و توسعه فناوری در بخش های متعدد صنایع دفاعی می گردد. هرچند که در برخی از موارد وجود دوگانگی های حزبی و عدم وجود استراتژی ثابت، باعث بروز تعلل و کندی در اجرای سیاست های دفاعی و بازدارنده می شود، اما تهدیدات خارجی و رفتارهای جنگ ستیزانه برخی از کشورهای منطقه و اربابان آنها باعث گسترش وفاق و وحدت ملی گشته تا اهداف بازدارنده و دفاعی کشور به سمت توسعه بومی سازی خط مشی های دفاعی با سرعت بیشتری گام برداشته شود.

منابع:

- استراوس، انسلم. کربین، جولیت. (۱۳۹۴). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران. نشر نی.

- استراوس، انسلم، کوربین، جولیت (۱۳۹۰)، اصول و روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی: رویه ها و شیوه ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - قلی‌پور رحمت‌الله، دانایی‌فرد حسن، زارعی متین، حسن، جندقی غلامرضا، فلاح محمدرضا (۱۳۹۰) «ارائه مدلی برای اجرای خط مشی‌های صنعتی، مطالعه موردی در استان قم»، مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره نهم، شماره دوم، صص ۱۰۳-۱۳۰.
 - حاجی‌پور، ابراهیم، فروزنده، لطف‌الله، دانایی‌فرد، حسن، فانی، اصغر، (۱۳۹۴)، طراحی الگوی آسیب‌شناسی اجرای خط مشی عمومی در ایران، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۵۸، سال ۱۵، صص ۲۳-۱.
 - منوریان، عباس، (۱۳۹۴)، مدل اجرای خط مشی‌های اصلاح اداری با رویکرد یادگیری، مدیریت دولتی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۸۶۴-۸۳۹.
-
- Alkin, M. C., Christie, C. A. (2012) . An Evaluation Theory Tree. In M.Alkin (Ed.), *Evaluation roots. A Wider Perspective of Theorists' Views and*
 - Béland, D. (2010). Reconsidering policy feedback: How policies affect politics. *Administration & Society*, 42(5): 568-590
 - Blanco- Mancilld, G.(2011). Implementation of health policies in Mexico city: what factors contribute to more effective service delivery? Thesis for degree of
 - Chompucot, M. C.(2011). Major factors affective educational policy implementation effectiveness for the three southernmost provinces of Thailand as perceived by school directors. Dissertation for the degree of doctor of philosophy, National Institute of Development Administration.
 - Chung,H. Lee, G. Hwaliu, S.(2014). Policy and barriers related to implementation adult e- learning in Taiwan. *Australian Journal of Adult learning*, Vol.54, No.3: pp, 219-243
 - Dunne, P & Braddon. D (2008). School of Economics, Bristol Business School. University of the West of England, Bristol.
 - Evaluation Practice. In M. Alkin (Ed.), *Evaluation roots. A Wider Perspective*
 - Geurts, Thei (2014) "Public Policy Making - the 21st Century Perspective" eBook (PDF), 60 Pages.
 - Graham, Gingeri; "The Leader as lobbyist"; in *Harvard Business Review*, June 2019, pp. 24-26
 - Hansen, H. F., (2005). Choosing Evaluation Models: A Discussion on Evaluation Design. *Evaluation*, 11(4), pp. 447-62.
 - Hartley, K (2003). The future of European Defence Policy: An Economic Perspective, *Defence and Peace Economics* Vol 14(2).pp 107-115

- Hawlett, M. & Ramesh, M. (1998). Policy subsystem configurations and policy change: operationalizing the post positivist analysis of the politics of the policy process. *Policy studies journal*, 26 (3), 466-481
- Howlett, M., Ramesh, M., and Perl, A. (2009): *Studying public policy: Policy cycles and policy subsystems*, New York, Oxford University Press.
- Katzman, K. (2017). *Iran's Foreign and Defense Policies* (No. CRS-7-5700, R44017). Congressional Research Service Washington United States.
- Ladner, J.(2016). Policy implementation in the public sector: A comparison of two methods of evaluating the impact of government interventions. *Journal of Organizational Ethnography*, Vol.5, No.3: pp,317-332.

- Lluís Boneta ‘ (2018) The participative turn in cultural policy: Paradigms, models, contexts ; *Poetics* 66 ; 64–73
- Marcus V.R. Oliveira, Alessandro V.M. Oliveira ‘ (2018) ‘ What drives effective competition in the airline industry? An empirical model of city-pair market concentration ; *Transport Policy* 63 ; 165–175
- Mario Arturo Ruiz Estrada ‘ (2018) ‘ The past, present and future of policy modeling ; *Journal of Policy Modeling* 40 ; 1–15
- Miles, I., Cunningham, P., Cox, D., Crowe, C. & Malik, K. (2006) . *Smart Innovation. A Practical Guide to Evaluating Innovation Programmes*. Brussels-Luxembourg: ECSC-EC-EAEC, European Commission
- Newig, Jens. M. Koontz, Tomas (2014) "Multi-level governance, policy implementation and participation: the EU's mandated participatory planning approach to implementing environmental policy" *Journal of European Public Policy*, 248–267

- Owen, J. M. (2012). *Evaluation Forms. toward an Inclusive Framework for*
- Owusu Bempah, Ben Smith (2012) "Policy Implementation: Budgeting and Financial Management Practices of District Health Directorates in Ghana" *School of Public Administration National Institute of Development Administration*. 1-237

- Portney, P. R. (Ed.). (2016). *Public policies for environmental protection*. Routledge.
- Pressman J. L. and Wildavsky, A. B. (1984), *Implementation*. ﺭﻭﺗﻠﯿﺪﺝ ﺭﯨﺘﯿﻨﮕﯿﻦ ﺑﯿﺮﯨﻨﮕﯿﻦ: University of California Press

- Renz, Bettina (2016). 'Why Russia is Reviving Its Conventional Military Power', *Parameters*, vol. 46, no. 2, Summer 2016, p. 24, p. 25.
- Rossi, P., Lipsey, M., Freeman, H. (2003) . *Evaluation: A Systematic Approach*(7th ed.). Thousand Oaks: SAGE.
- Siddique, W. (2016). Critical success factors affecting e-government policy implementation in Pakistan. *E Journal of E Democracy Open Government*. Vol.8 ,No.1: pp, 102-126.

- Standing, C. Cripps, H.(2013). Critical success factors in the implementation of electronic health records: A two- case comparison. *System Research and Behavioral Science*.No.32: pp, 75–85.
- Sutton, K. (2018). Ask Not What Guns May Do for You, Ask What Guns May Do for Your Country: a Comparative Investigation into Cultural Cognition's Impact upon Firearm Regulation in Switzerland and the United States. *Bocconi Legal Papers*, 11, ۱۳۵.
- Terje Aven ‘ (2018) ‘ Improving government policy on risk: Eight key principles ; *Reliability Engineering and System Safety* 176 ; 230–241
- Theodoulou, Stella; "The Nature of Public Policy"; in S. Theodoulou & Matthew Cahn; *Public Policy: The Essential Readings*; New Jersey: Prentice Hall, 1995, P. 2.
- Waters, Elissa. Barnett, Jon. Puleston, Aedan (2014) "Contrasting perspectives on barriers to adaptation in Australian climate change policy" *Climatic Change* 124:691–۷۰۲.
- Wioeniewski, R (2012). Defence Industry In The European Union– Challenges and Opportunities In Times of Economic Crisis. *Przeglad Strategiczny Journal*,2
- Wyk, C.V. & Marumoloa, M.(2012). The role and functioning of school management teams in policy formulation and implementation at school level. *Journal of social science*, Vol.32, No.1: pp,101-110.
- Wyner, Adam. Benn, Neil (2013) "Introduction to special issue on modelling policy-making" *Springer Science+Business Media Dordrecht*.367- 369
- Yongmin Chen ‘ (2018) ‘ Mergers and product quality: Evidence from the airline industry ; *International Journal of Industrial Organization* 000 ; 1–40